



## تفاوت‌ها را پیش از ازدواج بهتر ببینیم

ازدواج از آن نوع مسائل مهمی است که در مورد آن نمی‌توان بی‌گدار به آب زد و برای انجام آن باید تمام جوانب ریز و درشت کار را سنجید. عده‌ای با توجه به این موضوع و بدون تکیه بر احساسات زودگذر و آنی و با اتکا به عقل و منطق از میان گزینه‌های پیش‌رو، بهترین را انتخاب می‌کنند.

ازدواج از آن نوع مسائل مهمی است که در مورد آن نمی‌توان بی‌گدار به آب زد و برای انجام آن باید تمام جوانب ریز و درشت کار را سنجید. عده‌ای با توجه به این موضوع و بدون تکیه بر احساسات زودگذر و آنی و با اتکا به عقل و منطق از میان گزینه‌های پیش‌رو، بهترین را انتخاب می‌کنند.

نقطه مقابل اینها افرادی هستند که با دیدن فردی، احساساتشان بشدت غلیان می‌کند و بدون در نظر گرفتن نقاط مشترک یا تفاوت‌های رفتاری فرد مورد نظرشان، زمین و آسمان را به هم می‌دوزند تا با او ازدواج کنند و برای تحقق آن به خیلی چیزها از جمله ارزش هایشان پشت می‌کنند، اما پس از ورود به زندگی مشترک و با متعادل شدن احساساتشان نسبت به یکدیگر، تازه متوجه تفاوت‌های اخلاقی یکدیگر می‌شوند. نسیم و علیرضا هم با عشقی پرشور زندگی‌شان را شروع کردند، اما پس از مدتی طعم تلخ تفاوت‌های رفتاری، آنها را به دادگاه خانواده کشاند.

### عشق در یک نگاه

نسیم: «عشق در یک نگاه» جریان من و همسر من است. فقط یک بار همدیگر را در جشن عروسی یکی از اقوام مان دیدیم و از آن موقع خواب و خوراکمان شد ازدواج با هم. بجز علیرضا به مرد دیگری فکر نمی‌کردم. علیرضا هم مثل من بود و به خواستگاری ام آمد اما پدرم قبول نمی‌کرد، چون از لحاظ طبقاتی خیلی با هم فرق داشتیم. در آن لحظه به این چیزها فکر نمی‌کردم و با این که همه می‌گفتند شما به درد هم نمی‌خورید، کر بودم و کور و چیزی نمی‌شنیدم. از هر نظر که فکرش را کنید با هم فرق داشتیم. اما تمام اینها برایم بی‌معنی بود. با وجود مخالفت‌های شدید پدرم و این که اگر با علیرضا ازدواج کنم، دیگر دخترش نخواهم بود و هر مشکلی پیش بیاید خودم مسئول هستم و حق ندارم شکایتش را به خانواده ام بکنم، راهی خانه بخت شدم. سه ماه اول زندگی مان همه چیز خوب بود. انتظار داشتم علیرضا هم به پاس فداکاری ای که کرده ام، از من حمایت کند. اما پس از مدتی رفتارش عوض شد و یک روز در عین ناباوری گفت که از من خسته شده و برایش تکراری شده ام. در تمام طول هفته کار می‌کند و حتی از من می‌خواهد با او زمانی که سر کار است، تماس بگیرم. فکر می‌کردم او خیلی رمانتیک باشد اما پس از مدتی فهمیدم که این طور نیست. توجهی به من ندارد. روز زن نه زنگ زد و نه کادو خرید. یک شب که از رفتارهای او به ستوه آمده بودم، بشدت با هم مشاجره کردیم و برای اولین بار دست رویم بلند کرد و کتکم زد. ظاهر او قبل از ازدواج به قدری مهربان بود که فکرش را هم نمی‌کردم پشت این چهره بظاهر مهربان، فردی عصبی و خشن باشد. به خاطر برخوردهای بد و توهین‌هایی که به من کرد، دیگر علاقه ای به ادامه زندگی با او ندارم. شوهرم مدام سر اقوامش با من جنگ و دعوا راه می‌اندازد. رفتارش با خانواده من خوب نیست، اما توقع دارد من با خانواده اش خوش رفتاری کنم. یک بار که با زن برادرش بحث شده بود، او هر چه دلش خواست به من گفت و شوهرم فقط ایستاد و نگاه کرد و بعد هم گفت برو با او آشتی کن چون کوچک تر هستی. شوهرم با آن چیزی که در رویاهایم ساخته بودم، خیلی فرق دارد و فکر می‌کردم در مشکلات حامی ام باشد، اما او به تنها چیزی که اهمیت نمی‌دهد، من هستم.

### اجباری کنار هم هستیم

علیرضا: فکر می‌کردم اگر با نسیم ازدواج کنم، خوشبخت‌ترین مرد روی زمین خواهم بود. اما او انحصارطلب است و همه چیز را برای خودش می‌خواهد. از وقتی ازدواج کرده ام محدود شده ام. گاهی اوقات نظراتی می‌دهد که زمین تا آسمان با نظر و حرف من فرق دارد. بعضی وقت‌ها احساس می‌کنم از روی اجبار کنار هم روزگار می‌گذرانیم. زمان زیادی نیست که ازدواج کرده ایم اما در این مدت از بس مشکلات مختلف به وجود آمده، خیلی زودرنج شده ام و تا اتفاقی می‌افتد، ناراحتی ام را با داد و فریاد سر همسر خالی می‌کنم. با این که خیلی سعی می‌کنم خودم را کنترل کنم ولی... .

محیط خانه زجرآور شده است و به خاطر همین یا پای تلویزیون هستم یا با رفقایم یا در محل کارم. حرف مشترکی با هم نداریم و خیلی وقت‌ها جز سلام چیزی بین من و همسرم رد و بدل نمی‌شود. کوچک‌ترین حرفی بین من و او تبدیل به یک دعوی حسابی شده و آخرش هم با گریه‌های همسرم تمام می‌شود. تحمل این وضع برایم بسیار سخت است.

### احساسی عمل نکنیم

دکتر پرویز رزاقی، روان‌شناس و مدرس دانشگاه: یکی از دلایلی که باعث می‌شود تفاوت‌ها پس از ازدواج به چشم بیاید این است که افراد زمانی دست به انتخاب شریک زندگی‌شان می‌زنند که خلأ احساسی و عاطفی داشته باشند. فردی که خلأ عاطفی و ارتباطی و روانی دارد، وقتی کسی وارد زندگی اش می‌شود و این خلأ را پر می‌کند، تفاوت‌ها را نمی‌بیند یا این که نادیده می‌گیرد. یعنی از منظر او هیچ تفاوتی وجود ندارد. از نگاه او مهم خلأیی است که باید پر شود و از نظر روانی چیز دیگری نمی‌بیند. دلیل دوم این است که در ارتباط و ازدواج قبلی اش یا تعاملات و دوستی اش شکست خورده و حالا معیار انتخاب فرد بعدی چیزی است که در نفر قبلی وجود نداشت. یعنی در انتخابی که داشته از ویژگی‌ای که در آن فرد بوده شکست خورده، حالا دنبال فردی می‌رود که آن ویژگی را نداشته باشد. سومین علت بر اساس الگوهای تفکر قانون همه یا هیچ است. برای

مثال مرد فکر می کند که چون دختر تحصیلکرده و درسخوان است، پس همه ویژگی های سازگاری را در زندگی مشترک دارد. این انتخاب می تواند فرد را دچار مشکل کند. علت بعدی انتخاب افراد بر اساس احساس است. دخالت احساس در انتخاب باعث می شود تفکرات منطقی در آنها کمتر شکل بگیرد. اکثر انتخاب ها هیجان مدار است و کمتر تفکراتی بر پایه منطق وجود دارد. دلیل دیگر این است که در ارتباطات اجتماعی به آن ارتباط و احساس و دوستی می رسند که تصور می کنند برای ازدواج با هم تمام ویژگی ها را دارند. به طور مثال همکار هستند و ده بار با هم به ماموریت رفته اند یا در همایش سخنرانی داشته اند، چند سال با هم برو بیا داشته اند، نتیجه این می شود که پس طرف مقابل دختر یا پسر خوبی است و حالا در سایه این ارتباطات علاقه به وجود می آید، اما این انتخاب از روی احساس و ارتباط بین فردی است. اما پس از مدتی مشخص می شود که این فرد دوست و همکار خوبی است اما مرد یا زن خوبی در زندگی مشترک نیست. درخصوص این تفاوت ها ما باید به گونه ای عمل کنیم که معیارهایی را که در زندگی به شکست منجر می شود نداشته باشیم.

### چه کنیم؟

برای این که افراد در انتخاب هایشان دچار مشکل نشوند، چند پیشنهاد داریم، اول این که معیارهای همسران برای ازدواج بر اساس منطق باشد و نه احساس و در آن عوامل مختلف نظیر همفکر بودن از نظر مذهبی، فرهنگی، تحصیلات، قیافه و پذیرش ظاهر، نگرش به زندگی و... را بررسی کنند. یعنی انتخاب بر اساس خلأ عاطفی و احساسی که در زندگی فردی وجود دارد، شکل نگیرد. چون در زندگی مشترک خلأ عاطفی تامین می شود و پس از آن زن یا مرد متوجه می شود که هیچ توافقی با هم ندارند. مساله دیگر این که در انتخاب یکدیگر سعی کنند ارتباط و تعاملشان با هم بیشتر باشد. یعنی به جای انجام رفتارهای وسواس گونه، روی رفتارها دقیق شوند و همدیگر را بشناسند و ارزیابی کنند. با نظارت خانواده ها و برای شناخت بیشتر، با هم ارتباط بین فردی و تعامل داشته باشند. در این میان هرچه میزان شناخت دو طرف از یکدیگر بیشتر باشد، میزان خطا نیز کمتر خواهد بود. این شناخت و آگاهی که نسبت به یکدیگر پیدا می شود در زندگی مشترک کمکشان خواهد کرد. مساله بعدی در یک انتخاب خوب، در نظر گرفتن پارامترهای ازدواج است. یکی از آنها می تواند در نظر گرفتن سن باشد. از سوی دیگر، باید دید میزان ظرفیت و تغییرپذیری افراد چقدر است؟ گاهی اوقات افراد بسادگی تغییر می کنند، ارزش ها برایشان مهم است و چون این تغییر را براحتی تجربه می کنند و برای آن می جنگند، راحت تر هم به هدف موردنظرشان دست پیدا کرده و خودشان را با طرف مقابلشان هماهنگ می کنند. مثلاً فرد نگوید «من همینی ام که هستم، اخلاقم این طور است» اگر این طور باشد در معرض خطر است.

به دختران و پسران جوان توصیه می کنیم قبل از اقدام به ازدواج حتماً یک مشاوره قبل از ازدواج داشته باشند و با یک متخصص صحبت کنند تا از تفاوت های فردی همدیگر آگاهی پیدا کنند.

**لیلا حسین زاده / تپش (ضمیمه چهارشنبه روزنامه جام جم)**